

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّرسی طباطبائی نرودی دست برکات

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۳-۹۴

جلسه ۸۴ - یکشنبه ۳۰/۱/۹۳

#### آراء اعلام در جریان استصحاب احکام کلیه

بزرگانی همچون مرحوم شیخ، آخوند، محقق نائینی، عراقی رحمته الله و دیگران، از کسانی بوده‌اند که در این باب نظر داده‌اند و نوعاً نظر مرحوم نراقی را نپذیرفته‌اند و از آنجا که سید خوبی رحمته الله فی الجمله مدافع این نظریه است باید اشکالات این بزرگان را پاسخ دهد. به همین جهت سید خوبی رحمته الله کلمات شیخ، آخوند و محقق نائینی رحمته الله و برخی اشکالات دیگر را مطرح کرده است و به بررسی هر یک پرداخته است.

#### فرمایش مرحوم شیخ در اشکال به نظریه‌ی مرحوم نراقی

حاصل فرمایش ایشان<sup>۱</sup> چنین است: زمان در مثال‌های مذکور مانند مرئیه حائض قبل از اغتسال یا ماء متغیر بنفسه، یا مفرد است یا مفرد نیست.

اگر زمان، مفرد باشد به این معنا که به حسب فهم عرفی وقتی گفته می‌شود ﴿فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ یعنی هر مقاربتی که در هر زمانی واقع می‌شود، فردی غیر از فرد دیگر است و برای هر فردی حکمی وجود دارد. پس مقاربت با حائض به تعداد زمان‌هایی که می‌تواند موضوع مقاربت باشد دارای نهی است و هر

۱. فرائد الاصول (ط - انتشارات اسلامی)، ج ۲، ص ۶۴۸:

أقول الظاهر التباس الأمر عليه.

أما أولاً فلأن الأمر الوجودی المفعول إن لوحظ الزمان قيدا له أو لمتعلقه بأن لوحظ وجوب الجلوس المقيد بكونه إلى الزوال شيئا و المقيد بكونه بعد الزوال شيئا آخر متعلقا للوجوب فلا مجال لاستصحاب الوجوب للقطع بارتفاع ما علم وجوده و الشك في حدوث ما عده و لذا لا يجوز الاستصحاب في مثل صم يوم الخميس إذا شك في وجوب صوم يوم الجمعة و إن لوحظ الزمان طرفا لوجوب الجلوس فلا مجال لاستصحاب العدم لأنه إذا انقلب العدم إلى الوجود المردد بين كونه في قطعة خاصة من الزمان و كونه أزيد و المفروض تسليم حكم الشارع بأن المتيقن في زمان لا بد من إبقائه فلا وجه لاعتبار العدم السابق. ....

قطعه از زمان، فردی برای حکم درست می‌کند؛

در چنین صورتی استصحاب وجود (مجموع) جاری نیست؛ زیرا هر قطعه‌ای از زمان موضوع، دارای فرد مستقل است و اگر مقاربت در آن زمان حرام بود ربطی به حرمت مقاربت در زمان بعد ندارد و نمی‌توان استصحاب حرمت جاری کرد؛ زیرا زمان علی الفرض مفرد است و اسراء حکم یک فرد به فرد دیگر، استصحاب نخواهد بود. و بالجمله اگر زمان مفرد باشد موضوع باقی نخواهد بود و در نتیجه استصحاب وجودی جاری نیست و لامحاله معارضه‌ای پدید نمی‌آید و تنها استصحاب عدم جعل حرمت جاری می‌شود.

و اگر زمان مفرد نباشد و فقط ظرف باشد و به تعداد قطعات زمان، موضوع نداشته باشیم، چنان‌که عرفاً در نجاست آب چنین است و وقتی شارع می‌فرماید: «الماء المتغير بالنجاسة ينجس» به تعداد قطعات زمان، نجاسات متعدد جعل نکرده است بلکه طبیعت ماء متغیر دارای حکم نجاست می‌باشد؛ در چنین مواردی استصحاب وجودی (استصحاب نجاست) جاری است و استصحاب عدم جعل جاری نیست؛ به دلیل اینکه عدم، منتقض شده است و وجود، یقینی است که شک در زوال آن وجود دارد و استصحاب آن جاری است و در نتیجه معارضه‌ای رخ نمی‌دهد.

### دفع اشکال شیخ رحمته الله بر نظریه‌ی مرحوم نراقی به بیان سید خوبی رحمته الله

سید خوبی رحمته الله می‌فرماید: در خصوص جایی که زمان مفرد است نظر شیخ رحمته الله با ما یکسان است و استصحاب وجودی را جاری نمی‌دانیم؛ زیرا موضوع مربوط به یک قطعه از زمان، با قطعه‌ی دیگر متفاوت است. اما اگر زمان ظرف باشد به چه دلیل فرمودند تعارضی رخ نمی‌دهد و فقط استصحاب وجودی جاری است؟! بلکه در این صورت دو استصحاب جاری است؛

می‌توانیم به همان ماء متغیر اشاره کنیم و به اعتبار حکم فعلی بگوییم این آب قبلاً نجس بود و الآن نیز نجس است و در عین حال استصحاب دیگری نیز جاری است؛ زیرا این ماء که تغیرش بنفسه زائل شده

---

۱. مصباح الأصول (ط - مؤسسة احیاء الآثار)، ج ۲، ص ۴۵:

و ظهر بما ذكرنا أيضاً عدم ورود اعتراض الشيخ (قدس سره) على الفاضل النراقی بما حاصله: أن الزمان إن كان مفرداً ... و ذلك لما قد أوضحنه من وقوع المعارضة مع عدم كون الزمان مفرداً و وحدة الموضوع فيقال: إن هذا الموضوع الواحد كان حكمه كذا و شك في بقاءه فيجری استصحاب بقاءه، و يقال أيضاً: إن هذا الموضوع لم يجعل له حكم في الأول لا مطلقاً و لا مقيداً بحال، و المتيقن جعل الحكم له حال كونه مقيداً فيبقى جعل الحكم له بالنسبة إلى غيرها تحت الأصل، فتقع المعارضة بين الاستصحابين مع حفظ وحدة الموضوع.

✓ همچنین ر.ک: دراسات في علم الأصول، ج ۴، ص ۶۵؛ الهداية في الأصول، ج ۴، ص ۳۸.

است، در صدر اسلام نجاستی برایش جعل نشده بود و شک داریم برای این ماءِ زائل التَّغْيِيرِ بنفسه، جعل نجاست شده است یا خیر، می‌گوییم چنین جعلی واقع نشده است.

به تعبیر دیگر گرچه این ماء در حین تَغْيِيرِ قطعاً نجاست برای آن جعل شده است ولی این جعل، حادث است و کلاً این ماء چه در حین تَغْيِيرِ و چه بعد از زوال تَغْيِيرِ، دارای حکمی نبوده است. آن مقدار که می‌دانیم برای آن جعل نجاست شده است اخذ می‌کنیم ولی آن مقدار را که شک داریم نجاست برای آن جعل شده است یا نه، استصحاب عدم جعل می‌کنیم و این استصحاب عدم با استصحاب مجعول معارضه کرده و هر دو ساقط می‌شوند.

### اشکال مرحوم آخوند بر نظریه‌ی مرحوم نراقی در عدم جریان استصحاب در حکم کلی الهی

مرحوم آخوند در کفایه فرموده‌اند<sup>۱</sup>: اینکه مرحوم نراقی یک بار استصحاب عدم جعل جاری کرده است و یک بار استصحاب عدم مجعول جاری نموده است و بین این دو معارضه برقرار کرده است، به خاطر این است که از دو دیدگاه به مسأله نگاه کرده است؛ یکبار از دیدگاه عرفی و بار دیگر از دیدگاه عقلی، در حالی که استصحاب با ملاک عرف سنجیده می‌شود و موضوع آن باید از عرف اخذ شود نه عقل، در نتیجه اگر زمان ظرف باشد تنها یک استصحاب یعنی استصحاب وجودی جاری است و اگر زمان قید باشد فقط استصحاب عدم جاری است.

مثلاً در مورد آبی که تغیرش بنفسه زائل شده و می‌دانیم موضوع، نفس آب است و زمان در آن قید نیست، اگر نگاه عرفی داشته باشیم خواهیم دید آبی که متغیر است با آبی که تغیرش بنفسه زائل شده است عرفاً واحد هستند؛ چون تَغْيِيرِ و زوال آن از حالات آب محسوب می‌شود، لامحاله استصحاب وجودی جاری است؛ زیرا همین آب قبلاً نجس بوده و با شک در بقاء نجاست، چون موضوع باقی است استصحاب نجاست جاری می‌شود. ولی مرحوم نراقی با نگاه عقلی دیده است عقلاً آب متغیر، از آب غیر متغیر متفاوت است؛ زیرا عقل این دو را متفاوت می‌داند، به همین جهت آب جدید را موضوع جدیدی دیده است، لذا

---

۱. کفایة الأصول (ط - آل البيت)، ص ۴۱۰:

لا يقال فاستصحاب كل واحد من الثبوت والعدم يجرى لثبوت كلا الطرفين ويقع التعارض بين الاستصحابين كما قيل.

فإنه يقال إنما يكون ذلك لو كان في الدليل ما بمفهومه يعم النظرين وإلا فلا يكاد يصح إلا إذا سبق بأحدهما لعدم إمكان الجمع بينهما لكمال المنافاة بينهما ولا يكون في أخبار الباب ما بمفهومه يعمهما فلا يكون هناك إلا استصحاب واحد وهو استصحاب الثبوت فيما إذا أخذ الزمان ظرفاً واستصحاب العدم فيما إذا أخذ قيداً لما عرفت من أن العبرة في هذا الباب بالنظر العرفي ولا شبهة في أن الفعل فيما بعد ذاك الوقت مع ما قبله متحد في الأول ومتعدد في الثاني بحسبه ضرورة أن الفعل المقيد بزمان خاص غير الفعل في زمان آخر ولو بالنظر المسامح العرفي.

استصحاب عدم نجاست را جاری دانسته است و معارضه برقرار شده است، در حالی که موضوع استصحاب باید از عرف گرفته شود نه عقل، لذا تنها یک استصحاب یعنی استصحاب نجاست جاری می‌شود.

### نقد سید خویی<sup>رحمته</sup> بر فرمایش مرحوم آخوند در کفایه

سید خویی<sup>رحمته</sup> می‌فرمایند<sup>۱</sup> هرچند درست است که باید موضوع را از عرف اخذ کنیم، ولی با حفظ این مطلب، باز دو استصحاب جاری است:

۱. استصحاب وجود نجاست که مرحوم آخوند پذیرفتند.
۲. همچنین وقتی به عرف گفته شود این ماء قبل از تشریح، نجاستی برای آن جعل نشده بود، با فرض تغییر قطعاً جعل نجاست شده است، اما بدون قید تغییر شک داریم جعل نجاست شده است یا خیر؟ در این صورت استصحاب عدم جعل نجاست جاری خواهد بود، در نتیجه با استصحاب نجاست تعارض و تساقط می‌کنند.

### اشکال محقق نائینی<sup>رحمته</sup> بر نظریه‌ی تعارض عدم جعل و مجعول

به نظر مرحوم نائینی<sup>۲</sup> اساساً در عدم جعل، استصحاب جاری نمی‌شود؛ زیرا شرط جریان استصحاب، ترتب اثر بر مستصحب است و اگر اثری نداشته باشد لغو خواهد بود، کما اینکه اگر اثر آن با واسطه‌ی عقلی باشد مثبت خواهد بود. در ما نحن فیه جعل که خود اثر شرعی ندارد و آثار عملیه‌ی عقلی که بر حکمی مترتب است مانند اطاعت، تنجیز و ... نیز تنها بر حکم مجعول فعلی به فعلیت موضوع، مترتب است اما جعلی که موضوعش فعلیت پیدا نکرده و به مرحله‌ی مجعولیت نرسیده است اثری ندارد؛ به دلیل آنکه جعل بما هو

۱. مصباح الأصول (ط - مؤسسة احیاء الآثار)، ج ۲، ص ۴۵:

و ظهر بما ذكرنا من تقريب المعارضة أنه لا يرد على الفاضل التراقي ما ذكر في الكفاية من أنه نظر تارة إلى المسامحة العرفية فأجرى استصحاب الوجود، و أخرى إلى الدقة العقلية فأجرى استصحاب العدم، لكون الماء غير المتمم غير الماء المتمم بالدقة العقلية، فاعترض عليه بأن المرجع في وحدة الموضوع و تعدده هو العرف، و العرف يرى الموضوع واحداً، و الكثرة و القلة من الحالات، فلا مجال لانكار استصحاب النجاسة. هذا و أنت ترى أن المعارضة المذكورة لا تتوقف على لحاظ الموضوع بالنظر الدقي، بل بعد البناء على المسامحة و القول بوحدة الموضوع يجرى استصحاب بقاء النجاسة و استصحاب عدم جعل النجاسة بالنسبة إلى حال الكثرة، لكون المتيقن هو جعل النجاسة لما لم يتم، فتقع المعارضة بين الاستصحابين مع أخذ الموضوع أمراً عرفياً.

✓ همچنین ر.ک: *دراسات في علم الأصول*، ج ۴، ص ۶۵؛ *الهداية في الأصول*، ج ۴، ص ۳۸.

۲. فوائد الاصول، ج ۴، ص ۴۴۷:

... و لعل مراد الشيخ - قدس سره - من استصحاب العدم الأزلي بعد الزوال إذا كان الزمان قيذا هو عدم الجعل، لا عدم المجعول، لما عرفت: من أن عدم المجعول بعد الزوال لا يكون أزلياً، بخلاف عدم الجعل، و لكن قد تقدم بما لا مزيد عليه في مباحث الأقل و الأكثر أنه لا أثر لاستصحاب عدم الجعل إلا باعتبار ما يلزمه: من عدم المجعول، و إثبات عدم المجعول باستصحاب عدم الجعل يكون من الأصل المثبت.

جعل، امثال و تنجیزی ندارد.

آری، به اعتبار اینکه مجعول بعداً پیدا می‌شود و دارای اثر اطاعت و تنجیز است جعل نیز می‌تواند ذات اثر باشد، اما این یک اثر عقلی است؛ زیرا لازمه‌ی عقلی جعل، مجعولی است که دارای اثر است و در نتیجه این استصحاب مثبت خواهد بود که حجت نیست.

بنابراین در ما نحن فیه تنها استصحاب مجعول که دارای اثر است جاری می‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی